

جنس پرستی در برنامه‌های آموزشی و کتاب‌های درسی مدارس در آموزش و پرورش و تأثیر آن بر اجتماعی شدن افراد در ایران (۱۳۸۶ هـ. ش)

دکتر سیف الله سیف اللهی^۱، مریم ابراهیمی^۲

چکیده

شیوه جامعه‌پذیری یادگیرندگان، اعم از دختر و پسر، در نظام آموزشی کشور بسیار مهم می‌باشند. زیرا آنان پدران و مادران آینده هستند که نقش مهم و زیربنایی در اداره امور جامعه دارند. بنابراین باید افراد جامعه طوری آموزش ببینند که برای باهم زیستن در جامعه آماده شوند. در این میان، نقش زنان در آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان پر اهمیت تر است. اولین نقش زنان، نقش تربیتی آنان است. تقریباً در تمام جوامع و به خصوص در جامعه ایرانی که هنوز نشانه‌هایی از تربیت سنتی در خانواده‌ها حاکم است. تربیت پایه‌ای کودکان تا سن هفت سالگی بر عهده مادران است. به اعتقاد بیشتر روانشناسان، جهان بینی کودکان در این سنین شکل می‌گیرد. دومین نقش زن، تأثیر وی در ارتباط با اقتصاد جامعه است. این تأثیر می‌تواند به ظاهر در محدوده آشپزخانه انجام شود؛ ولی می‌توان گفت این محدوده کوچک، نقش مهمی در اقتصاد خانواده و در نتیجه اقتصاد جامعه دارد. زنان با درایت، می‌توانند این نقش مهم را به خوبی در زمینه اقتصادی ایفا کنند. سومین و مهم‌ترین نقش آنان، که به ندرت مورد توجه قرار گرفته، نقش عاطفی آنان است، زن به عنوان عاملی مهم در تحکیم خانواده و واسطه ارتباط عاطفی بین اعضای خانواده می‌باشد. برقراری یک رابطه عاطفی خوب در خانواده می‌تواند به ایجاد روابط انسانی در کل جامعه کمک کند.

آموزش و پرورش از جهتی بر حفظ و نگهداری میراث فرهنگی تکیه دارد و از جهت دیگر برای دگرگونی و تحول آن در جهت کمال می‌کوشد. در این میان وظیفه فرد در جامعه، قبول فرهنگ جامعه، و وفاداری به آن، و از سوی دیگر، تلاش در جهت اصلاح و سازگاری هر چه بیشتر آن با شرایط و مقتضیات محیط اجتماعی است.

نظام آموزشی و پرورشی جامعه با برنامه‌های آموزشی خود به تحکیم مبانی اخلاقی، ارزش‌ها، مفاهیم و مضامین مذهبی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه یاری می‌رساند.

آموزش و پرورش جهت انتقال اطلاعات و ایجاد تغییرات در دانش آموزان، از آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم سود می‌جویند. کودکان، نوجوانان و جوانان نه فقط با جامعه و افراد جامعه و نقشی که بر عهده دارند آشنا می‌شوند بلکه مهم‌تر از آن، به نتایج عملکرد خودشان، به عنوان انسانی مسئول، تصمیم‌گیرنده و خلاق، نیز آشنا می‌شوند.

یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رویکرد دانش‌آموزان نسبت به نقشی که با توجه به جنسیت می‌توانند بر عهده گیرند، کتاب‌های درسی و تأکید در دوران تحصیلی نسبت به نقشهاست. کتاب‌های درسی نه فقط آموزش کلاسیک را انجام می‌دهند بلکه تأثیر مهمی در برداشت کودک از جامعه برجای می‌گذارند.

از طریق کتاب‌ها، کودک دایره واژگان خود را گسترش می‌دهد، با پدیده‌های جدید در زندگی آشنا می‌شود، روابط اجتماعی را فرا می‌گیرد، با افراد جامعه و نقش و اهمیت آنها در جامعه و به طور کلی با زندگی آشنا می‌گردد.

تقریباً نیمی از یادگیرندگان مدارس کشور، دختران هستند. امکانات آموزش و پرورش باید به صورت یکسان در اختیار دختران و پسران قرار گیرد تا آنان امکان بروز استعدادها، قابلیت‌ها و مهارت‌های خود را در مدرسه داشته باشند.

با دقت در آن چه ذکر گردید، اهمیت توجه به برنامه‌های درسی در تدوین محتوای کتب درسی مناسب، که محور بنیادین آموزش بوده، محرز می‌گردد. با پیشرفت روزافزون رشته برنامه‌ریزی درسی که با توسل به یافته‌های جامعه‌شناسی، روان

^۱ - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

^۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران

شناسی، فلسفه آموزش و پرورش و کلیه رشته‌هایی که به نوعی با تربیت انسانی سروکار دارد، تحقق یافته است بایستی دست اندرکاران نگرش عمیق و مستمری بر محتوای کتب درسی در مقاطع گوناگون تحصیلی جهت بهینه‌سازی کتب درسی داشته باشند.

در این مقاله موضوع جنس پرستی در برنامه‌های آموزشی، بالاخص در تدوین کتاب‌های درسی و تأثیر آن در اجتماعی شدن افراد در ایران مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزشی به طور غیر عمدی و ناخودآگاه مسأله جنس پرستی، تبعیض جنسیتی را در کتاب‌های درسی در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه ترویج می‌نمایند.

واژگان کلیدی: جنس پرستی، جامعه‌پذیری، برنامه‌های آموزشی، کتابهای درسی، مدارس

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۰/۱

صورت مسأله

اجتماعی شدن، یکی از مهم ترین اهداف جوامع بشری بوده و هست. آنچه مسلم است، استقرار افراد جامعه در یک سلسله روابط و مناسبات اجتماعی بهینه و مطلوب و برخاسته از خواست ها و نیازهای آنان، روند اجتماعی شدن را تسریع می بخشد.

یکی از مسائل مهم اجتماعی در تعیین نقش و منزلت اجتماعی افراد جامعه انسانی، جنسیت آنهاست. زنان و مردان با بر عهده گرفتن نقش های اجتماعی مناسب با جنسیت شان، می توانند جامعه را در رسیدن به اهدافش کمک کنند؛ اما در شرایط کنونی جامعه، دستیابی به چنین شرایطی با موانع و تنگناهایی مواجه است.

از آنجایی که بیشترین مسئولیت اجتماعی کردن افراد توسط دو نهاد خانواده و مدرسه صورت می گیرد، ساختار [۱]، کارکرد [۲] و رویکرد این دو نهاد، در شناسایی وضعیت اجتماعی کردن افراد جامعه روشن می گردد.

با توجه به نقشی که زنان جامعه ایران در این دو نهاد ایفا می کنند و مسئولیت هایی که تحت عنوان مادر و معلم بر عهده گرفته اند، می توان پی برد که توجه به منزلت زن تا چه حد در جامعه و مسائل اجتماعی پر اهمیت می باشد؛ ولی به نظر می رسد که اهمیت این قشر از افراد جامعه کمتر مورد توجه بوده است. (به خصوص از سوی مسئولین جامعه)

با توجه به مطالب فوق، می توان به اهمیت و تأثیر آموزش و پرورش پی برد.

عناصر تشکیل دهنده یک نظام آموزشی، اعم از: مدیران، معلمان، کادر اداری، محیط آموزشی، ابزار کمک آموزشی و کتاب های درسی، هر کدام نقش مهمی را ایفا می کنند. در این میان کتاب های درسی به سبب تأثیر گذاری بر روی مخاطب، از اهمیت بیشتری برخوردار است و در بین کتاب های درسی، کتاب های فارسی به دلیل توجه به ادبیات کهن و دیرینه ایران و الزامی بودن تدریس این کتاب ها در تمام مقاطع، می تواند بهترین عنصر در رابطه با بررسی منزلت اجتماعی زن باشد. «عنصری پر اهمیت» که متأسفانه از جانب تدوین کنندگان کتاب های درسی مورد بی مهری قرار گرفته است. در کتاب های درسی ادبیات فارسی،- به خصوص در دوران متوسطه - از لحاظ کمیت، به زنان و موضوعات مربوط به زنان و یا حتی نویسندگان زن بی توجهی شده است. اگر تدوین کنندگان این کتاب ها به این نکته بیشتر توجه می کردند، شاید دختران جوان تربیت شده در این نظام آموزشی، جایگاه و منزلت خود را در جامعه بهتر می شناختند و به

نقش اساسی و کلیدی خود به عنوان زن و مادر، بیشتر پی می‌بردند و هویت انسانی خود را عمیق‌تر درک می‌کردند و به آن‌ها بها می‌دادند. در چنین حالتی، روابط انسانی افراد یک جامعه مستحکم‌تر شده و موجبات پیشرفت جامعه در تمام زمینه‌ها فراهم خواهد شد.

تعریف مفاهیم به کار رفته در تحقیق

جامعه‌شناسی جنسیت : جامعه‌شناسان تمایز مهمی میان جنس [۳] و جنسیت [۴] قائل هستند. اصطلاح جنس، بر تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد دلالت دارد؛ حال آن‌که «جنسیت» ناظر بر ویژگی‌هایی شخصیتی و روانی است که جامعه آن را تعیین می‌کند و مرد و زن بودن و به اصطلاح مردانگی و زنانگی در آن مطرح است. جنس و جنسیت با هم پیوندی آشکار دارند؛ اما ماهیت دقیق این پیوند، موضوع بحث‌های فراوان میان جامعه‌شناسان و دیگران است (گرت، ۱۹۷۸، ص ۹).

برنامه‌های آموزشی : اصطلاح برنامه آموزشی را می‌توان چنین تعریف کرد: کادر آموزشی که توسط مدرسه یا نهاد آموزشی، سازمان یافته و می‌تواند از طریق درس در داخل یا خارج از مدرسه صورت گیرد.

جنس پرستی در برنامه‌های آموزشی : جنس پرست نامیدن یک برنامه آموزشی بدان معناست که آن برنامه بر علائق تک جنسی تأکید می‌کند و به بهای این علائق فرضی، تمایلات جنس دیگر را نادیده می‌گیرد؛ برای نمونه، تاریخی که در بسیاری از مدارس و دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، به فعالیت‌های مردان می‌پردازد و با افراد مذکر سروکار دارد. ادبیات بیشتر مربوط به آثار مؤلفان مرد است و موسیقی معمولاً به معنای آموزش آثار آهنگ سازان مرد است.

لایه‌های پنهان برنامه‌های آموزشی : لایه پنهان برنامه‌های آموزشی، مجموعه‌ای از پیام‌ها درباره‌ی موقعیت و ویژگی گروه‌های اجتماعی را به جوانان منتقل می‌کند. این امر از طریق سازمان مدرسه و برخورد و حذف صورت می‌گیرد. آن‌چه ما نمی‌آموزیم برجسته نمی‌کنیم یا توضیح نمی‌دهیم، اغلب به عنوان یک عامل در شکل‌گیری جانب‌داری‌ها، تأثیر بیشتری دارد تا آن‌چه می‌کنیم. بسیاری از آن‌چه دختران-البته پسران- در سال‌های دبیرستان می‌آموزند و تجربه می‌کنند، پذیرش یا اعتراض به نظام‌های حکومتی و تحریک پذیری روانی میان نقش نان‌آور خانه، خانه‌دار، کارگر، رأی‌دهنده و شهروند را شکل می‌دهد.

یکی از لایه های پنهان در برنامه های آموزشی این است که تعداد زنان در حرفه معلمی از بسیاری حرفه های دیگر بیشتر است؛ اما آن ها را معمولاً در سمت های رده پایین و متمرکز در آموزش ابتدایی می بینیم. در مدارس ابتدایی، کودکان بسیاری از زنان را در حال ایفا نقش های تعیین کننده می بینند؛ اما هنوز رهبری را به مردان نسبت می دهند و این تصور را دارند که زنان معمولاً نقش های حمایتی و خدماتی دارند، مانند منشی یا پرستار (گرت، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴).

اجتماعی شدن : فرآیند آموزش ارزش ها، تشکیل طرز تلقی ها و رفتارهای متناسب با هنجارهای پذیرفته شده یک جامعه است. با تحقق فرآیند اجتماعی شدن، فرد «هویت» یا «من» اجتماعی می یابد. همچنین دانستنی های ضرور و پیشین را جهت انجام درست نقش های اجتماعی کسب می کند. در فرهنگ علوم اجتماعی در تعریف آن آمده است: اجتماعی شدن در روانشناسی اجتماعی، فرآیندی را می سازد که از طریق آن فرد با اکتساب رفتاری که گروه می پسندد، یاد می گیرد تا با آن سازگاری یابد.

خانواده، گروه همسالان مدرسه و وسایل ارتباط جمعی، عواملی در جریان اجتماعی شدن انسان ها می باشند. فرآیند اجتماعی شدن را از دو دیدگاه مورد بررسی قرار می دهند:

نقش اجتماعی : فعالیت در جامعه بر عهده فرد یا گروهی از افراد قرار دارد و چون آن چه را که در جامعه بر عهده فرد مورد انتظار است در دیگران به وجود آورد، بنابراین در تعریفی دیگر نقش اجتماعی را به معنای انتظاراتی می دانند که باید دارنده موقعیت یا پایگاه اجتماعی آن انتظارات را برآورده سازد. «سایت وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، معاونت غنی آوری اطلاعات و ارتباط آموزشی»

اجتماعی شدن و آموزش و پرورش : «نهاد سازمان آموزش و پرورش در جوامع انسانی، دو مسئولیت بسیار مهم و سرنوشت ساز را جهت آماده سازی، اجتماعی ساختن، و فرهنگ پذیری نوجوانان و جوانان بر عهده دارد. این دو مسئولیت عبارتند از:

۱- انتقال آموخته ها و اندوخته ها و میراث فرهنگی به نوجوانان و جوانان،

۲- واگذاری مسئولیت های زندگی؛ فردی، خانوادگی و اجتماعی، به اعضا از طریق آموزش آموخته ها و اندوخته های جامعه.

هر جامعه‌ای در جهت تداوم بقای خود با توجه به شرایط تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و غیره دو مسئولیت فوق‌الذکر را کم و بیش به انجام می‌رساند؛ اما انتقال آموخته‌ها و اندوخته‌های جامعه با شیوه‌ای واگذاری مسئولیت‌ها به نیروهای جدید انسانی، بهره‌یابی از فن‌آوری‌های آموزش، انتقال و آگذاری مسئولیت و نحوه آموزش مهارت‌های نظری و عملی زندگی به نوجوانان و همین‌طور پی آمدهای چنین کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای متفاوت است» (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱، ص ۳۶۲).

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش : جامعه‌شناسان، آموزش و پرورش را به عنوان یک پدیده اجتماعی و یک نهاد اجتماعی مشخص، نظیر سایر پدیده‌ها یا نهادهای اجتماعی قابل تحلیل و تبیین علمی تلقی می‌کنند معتقدند که آموزش و پرورش اساساً یک نهاد اجتماعی خاصی از یک پویای اجتماعی نیست. آن‌ها معتقدند که ارتباط با نهاد آموزش و پرورش، یکی از راه‌های اجتماعی شدن کودک است. مدرسه در کنار سایر عوامل اجتماعی از قبیل: اجتماع و گروه‌های همسالان و غیره به روند اجتماعی شدن کودک کمک می‌کند؛ البته اجتماعی شدن از طریق نهاد آموزش و پرورش آگاهانه و با برنامه از پیش تعیین و تنظیم شده و به مدد ابزار و وسایل کمک آموزشی صورت می‌گیرد. برای این که بفهمیم از چه راهی و به چه طریق باید اجتماع فعلی را اصلاح کرد تا رفاه عمومی و عدالت اجتماعی تأمین گردد، جامعه‌شناسی مجبور است به نهاد آموزش و پرورش و با توجه به موقعیت اقتصادی، سیاسی و مذهبی آن جامعه توجه داشته باشد. بدیهی است که برنامه‌ریزی در هر یک از زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زمانی تحقق خواهد پذیرفت که برپایه آموزش و پرورش صحیح متکی باشد (نظیف، ۱۳۸۱، ص ۵۷).

قالب‌های ذهنی : قالب‌های ذهنی تصور روانی استاندارد شده‌ای است که به وسیله اعضای یک گروه در جمع حفظ می‌شود و بیانگر عقیده‌ای است که به شدت ساده شده، یک ایستا عاطفی یا قضاوتی بدون نقد است (بیرجندی، ۱۳۷۸).

کلیشه‌های جنسیتی : کلیشه چیزی است که بی‌هیچ وجه تغییر تکرار و باز تولید می‌شود، با الگوی ثابت و عام انطباق دارد و از تشخیص خصوصیات فردی عاجز است (بیرجندی، ۱۳۷۸).

«کلیشه‌های جنسی در برنامه‌های آموزشی می‌تواند به صورت آشکار و مخفی باشد. کلیشه‌های آشکار برنامه‌های درسی میان رشته‌های اساساً زنانه و مردانه تمایز می‌گذارد» (گرت، ۱۹۷۸، ص ۸۱).

چهار چوب نظری تحقیق

تا به حال شاید داستان آدم هایی را شنیده باشید که از کودکی در جنگل ها و کوهستان ها رها شده و با حیوانات بزرگ شده باشند، مثلاً کودکی هندی توسط یک دانشمند انگلیسی در جنگل های هندوستان پیدا شد. وی مانند حیوانات روی چهار دست و پا راه می رفت و قادر به انجام کارهای اجتماعی نبود یا دختری ویتنامی که به تازگی در ویتنام پیدا شد، این کودک پس از جنگ ویتنام در جنگل رها شده بود که فقط ظاهری از انسان داشت. این گونه افراد انسان هایی هستند که در ظاهر انسان هستند؛ ولی چون از روابط اجتماعی با انسان های دیگر محروم بوده اند، وحشی نام گرفته اند. شاید بتوان گفت اجتماعی نشده اند.

بنابراین اجتماعی شدن انطباق یک فرد انسانی با افراد دیگر جامعه و فرهنگ جامعه ای است که در آن رشد می کند. این فرهنگ شامل باورها، ارزشها و هنجارهایی است که در جامعه پدید می آید؛ در نتیجه، اجتماعی شدن یا جامعه پذیری عنصری تفکیک ناشدنی از جوامع انسانی است. در دنیای امروز پیشرفت فناوری و وسعت ارتباطات از طریق رسانه و بالاخص اینترنت، روابط اجتماعی را که قبلاً به مکان و نزدیکی فیزیکی افراد به یکدیگر بستگی داشت، گسترش داده است. امروزه با توسعه ارتباطات، تفکیک فرهنگ ها از یکدیگر کار بسیار مشکلی شده است.

یک اجتماع انسانی بدون داشتن روابط اجتماعی معنی پیدا نمی کند. می توان گفت اجتماعی شدن یعنی قرار گرفتن انسان ها در یک جمع و ایفا کردن نقشی مناسب؛ چنان چه گافمن در نظریه نمایشی خود عنوان می کند که «آدم ها برای نگه داشتن تصویر ثابتی از خود، برای مخاطبان اجتماعی شان اجرای نقش می کنند، بنابراین نظریه نمایشی گافمن، زندگی اجتماعی یک رشته اجرای نقش های نمایشی همانند ایفای نقش در صحنه نمایش است (ریتر، ۱۳۷۴).

در جوامع ابتدایی که هنوز فرهنگ خاصی برای رفتارهای فردی و اجتماعی پدیدار نشده بود به طبع اجتماعی که داشتند، مجبور به پذیرفتن نقش هایی بودند. به نظر می رسد که تفکیک اولین نقش هایی که جوامع ابتدایی بشری تحت آن تقسیم بندی شده اند بر اساس تفاوت های بیولوژیکی آنان بوده است؛ انسان ها به دو دسته بزرگ زنان و مردان تقسیم می شوند. جامعه شناسانی چون تاینر، باکس، مرداک و پارسونز تقسیم کارجنسی را در خانواده و جامعه بر پایه تفاوت جنسیتی بیولوژیک توضیح داده اند و تقسیم کاری یعنی پذیرش نقش.

شاید در ابتدایی‌ترین تفکیک نقش‌ها، سمت زن (بیشتر مادر) و سمت مرد (بیشتر پدر) بوده است و بر طبق نظریه نیازهای مازلو، رفتارهای اجتماعی بر پایه ارضای نیازها صورت گرفته است. زیرا انسان‌ها برای ارضای نیازهای شان احتیاج به روابط اجتماعی و در نهایت اجتماعی شدن داشته‌اند. بر این پایه، گرفتن یک سمت اجتماعی برای ایفای نقش‌های اجتماعی و نیز بر پایه همین نیازها بوده است. این نیازها عبارتند از:

«۱- نیازهای جسمی، ۲- نیاز به ایمنی، ۳- نیاز به روابط اجتماعی و محبت، ۴- نیاز به تأکید و احترام، ۵- نیاز به خویشتن‌یابی» (رفیع پور، ۱۳۷۷، ص ۵۲).

بر پایه این تفکیک اجتماعی، زنان در عصر باستان اداره امور زندگی و پرورش فرزندان را بر عهده گرفتند؛ معمولاً از این عصر به عنوان عصر مادر سالاری نام می‌برند. در این عصر مردان برای شکار به مناطق دور دست سفر می‌کرده‌اند و زنان به امور خانه می‌پرداختند؛ ولی شواهد به دست آمده چنین است که در نخستین جوامع بشری نه نظام مادر سالاری حاکم بوده و نه نظام پدر سالاری؛ بلکه زن و مرد، پیش از تاریخ و در آغاز تاریخ وظایف و مشاغل مختلفی داشتند ولی همکاری و مکمل هم بوده‌اند.

برخی از پژوهش‌گران عقیده دارند در آن زمان زنان بیشتر کشاورزی می‌کرده‌اند و در کنار آن به بافندگی و کوزه‌گری نیز می‌پرداختند.

در هر صورت می‌توان نتیجه گرفت که انسان‌های اولیه برای بقای شان به تقسیم کار بین دو جنس زن و مرد روی آورده‌اند.

شکل‌گیری اجتماعات انسانی با ایجاد روابط اجتماعی بین انسان‌ها آغاز و در نهایت پس از فرآیند طولانی، به صورت نظام اجتماعی بسیار پیچیده در می‌آید. به طور کلی می‌توان گفت هدف از پیدایش و گسترش نظام اجتماعی و یا جامعه انسانی، رفع نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی انسان و تأمین امنیت و تداوم مطلوب آن است (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱، ص ۵۲).

با توجه به مطالب و نظرات عنوان شده، می‌توان گفت که جوامع ابتدایی برای بقا و زیستن ابتدا، به تفکیک جنسی، برای پذیرفتن نقش‌های اجتماعی زنانه و مردانه روی آوردند؛ این تفکیک نقش باعث شد که زنان رفتارهای اجتماعی مربوط به وظایف شان را و مردان رفتارهای اجتماعی مربوط به نقش خودشان را انجام دهند. شاید بتوان گفت زنان با توجه به تفاوت بیولوژیکی با مردان در

رابطه با فرزندآوری، نگه داری و رشد دادن او در اولین سال های تولد، بیشتر نقش هایی را پذیرفتند که در محیط خانه باشد و مردان به شکار و گردآوری غذا برای خانواده می پرداختند. بعدها نقش های دیگر اجتماعی نیز بر پایه تفاوت های دیگر انسان ها با هم از جمله: نژاد، وراثت و... تفکیک شد (سیف اللهی، ۳۸۱، صص ۳۴۰ و ۳۴۲).

سیف اللهی می گوید: «انسان و جامعه در تداوم زندگی خود به دستاوردهای تازه ای مبادرت می ورزند و موجب ساماندهی، بهزیستی و غنای زندگی فردی و اجتماعی می شوند. عناصر تازه بی که از چنین پویایی پدید می آید، عبارتند از:

۱- فرهنگ [۵] ۲- جامعه پذیری [۶] ۳- شخصیت [۷]

فرهنگ در نتیجه تداوم زندگی اجتماعی به وجود می آید و هیچ جامعه ای نمی تواند بدون فرهنگ باشد. بخشی از این فرهنگ که مادی است، شامل فنآوری و آثار تمدنی است و بخش دیگر فرهنگ که نظارت، کنترل و ارشاد افراد جامعه را عهده دار است، در سه سطح، عقاید اجتماعی [۸]، ارزشهای اجتماعی [۹] و هنجارهای اجتماعی [۱۰] قرار می گیرد» (سیف اللهی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۳).

در نتیجه، یک نظام اجتماعی که بر پایه روابط اجتماعی پایه ریزی شده و افراد درون آن نظام با بر عهده گرفتن نقش های اجتماعی در روند جامعه پذیری گام بر می دارند، برای باقی ماندن و حفظ نظام اجتماعی شان باید باورها، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی مربوط به نقشهای شان را بپذیرند؛ این عناصر برگرفته از فرهنگی است که بر پایه همان روابط اجتماعی شکل گرفته است. بنابراین زنان در روند جامعه پذیری، نقش هایی را که فرهنگ آن جامعه به آنان تفویض کرد، پذیرا شده اند.

طبق نظر فمینیست ها، بی عدالتی در مورد زنان از همین جا شروع می شود. زیرا فمینیست ها موافق تفاوت پایه ای زن و مرد نیستند و معتقدند که رفتارها و جهت گیری های جامعه و حوزه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که این بی عدالتی را موجب می شود.

سیف اللهی تقسیم کار اجتماعی ناعادلانه را نتیجه روابط اجتماعی ناعادلانه در جوامع می داند. از طرفی این تفکیک اجتماعی سبب به وجود آمدن نهادهای اجتماعی ویژه می شود که هر یک از این نهادها بر پایه کارکردی به وجود آمده اند. در این میان نهادهای اجتماعی که بر پایه کارکرد

جامعه‌پذیری افراد به وجود آمده‌اند، از همه مهم‌تر نهادهای خانواده، مدرسه، گروه همسالان، و رسانه‌های جمعی است.

خانواده به عنوان اولین نهادی که فرد را برای زندگی اجتماعی آماده می‌کند، در ساده‌ترین شکل آن از زن و مرد تشکیل می‌شود. کودک در بدو تولدش با اولین نقش‌های اجتماعی، که بر پایه خواست‌ها و نیازهای فرهنگ جامعه شکل گرفته، آشنا می‌شود. کودک با الگوپذیری از پدر و مادر با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که بین خود و این دو می‌بیند، یاد می‌گیرد که رفتار زنانه داشته باشد یا رفتار مردانه، به بیان دیگر، کودک به طور مستقیم و غیرمستقیم آموزش می‌بیند که در محیط‌های اجتماعی، نقش‌های زنانه داشته باشد یا نقش‌های مردانه. این آموزش چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، تحت تأثیر و القای فرهنگ جامعه و نظام اجتماعی و نهادهای اجتماعی صورت می‌گیرد و چنان‌چه کودکی از این فرهنگ پیروی نکند و یا باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را زیرپا بگذارد به نحوی از انحا مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد.

گروه همسالان، رسانه‌های جمعی و مدرسه، روند یادگیری و اجتماعی شدن کودک را تسهیل می‌کنند. در میان این عوامل که زمینه فرهنگی محیط فرد را تشکیل می‌دهند، آموزش و پرورش جایگاه خاصی دارد؛ زیرا آموزش و پرورش عامل رسمی انتقال دانش و فرهنگ به نسل جوان و تضمین‌کننده بقاء و ثبات جامعه است.

نهاد مدرسه نیز در جهت برآوردن نیاز نظام اجتماعی به وجود آمده است. شاید به وجود آمدن این نهاد، در وهله اول نیازهای آموزشی گروه مردان بوده است؛ زیرا مردان چنان‌چه قبلاً گفته شد، در محیط‌های اجتماعی بیشتر ظاهر می‌شدند و زنان در محیط خانواده مشغول تربیت فرزندان بوده‌اند. بنابراین مردان نیاز بیشتری به آموزش جهت فعالیت‌های اجتماعی داشته‌اند. دلیل این مدعی می‌تواند نبودن نهاد آموزشی تکمیلی برای زنان؛ حتی تا قرن ۱۸ در اروپا باشد. شاید بتوان گفت که نفوذ اجتماعی گروه مسلط یعنی مردان بر نهاد مدرسه سبب شده که آموزش‌ها در جهت رفع نیازهای این گروه باشد. شاید به همین دلیل تعداد دانشمندان و فیلسوفان زن بسیار اندک است؛ زیرا شرایط آموزش برای این گروه فراهم نبوده است.

نفوذ و اعمال نظر گروه مسلط (مردان) بر نهاد آموزشی یک نظام اجتماعی که می‌تواند شامل محیط آموزشی، مربیان، کتب درسی و ... باشد زمینه را برای تحقق هدف‌های موردنظر فراهم می‌کند.

سازد. نظام آموزشی به اهداف خود خواهد رسید مجله پیام یونسکو، در مقاله ای، موضوع را چنین عنوان می کند:

«آموزش نباید مشوق و تعیین کننده نقش های افراد باشد؛ برعکس، باید شرایط را برای حداکثر بهره مندی بدون در نظر گرفتن جنسیت افراد ایجاد کند. چنین تبعیض هایی بر اساس مکانیسم جامعه پذیری ها توسط افراد جامعه؛ به ویژه اطفال، درونی می شود. همان طور که می دانیم شخصیت کودکان از بدو تولد و در تماس تدریجی با اشخاص و اشیاء و محیط های گوناگون شکل می گیرد. کودکان از طریق قبول هنجارهای موجود در حیات اجتماعی و یادگیری نقش هایی که می توانند عهده دار شوند، اجتماعی می شوند. کودکان از طریق دیدن اعمال و رفتار پدر و مادر و دیگران، بازی، خواندن و شنیدن قصه ها و کتاب های درسی، تصویری قراردادی از نقش مادران و پدران، دختران و پسران به دست می آورند و کم و بیش خود در قالب نقش های تعیین شده قرار می دهند» (مجله پیام یونسکو؛ شهریور، ۱۳۶۲، ص ۲۵).

جان دیویی [۱۱] در همین راستا مهمترین اصل در آموزش و پرورش را آماده کردن نوجوانان برای قبول مسئولیت های اجتماعی شان می داند (بیرجندی، ۱۳۷۵، ص ۱).

مدرسه به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی تأثیر مهمی در اجتماعی کردن کودکان دارد. در مدرسه است که به تدریج قواعد، هنجارهای زندگی جمعی، نظم و تربیت، تمرکز و پشتکار برای انجام وظایف، احترام، قانون و حقوق دیگران و... به کودکان آموخته می شود. این آموزش از طریق عناصر شکل دهنده یک نظام آموزشی صورت می گیرد؛ به خصوص کتاب های درسی به جهت فراگیر بودنشان در کل یک نظام آموزشی مورد استفاده قرار گرفته اند. هماهنگی و یکسانی، توسط تمام کسانی که در یک نظام آموزشی تربیت می شوند بیشتر مورد تأکید می باشد. آموزش و پرورش جهت انتقال اطلاعات و ایجاد تغییرات در دانش آموزان از آموزش های مستقیم و غیر مستقیم سود می جوید. کودکان نه فقط با جامعه، افراد جامعه و نقشی که بر عهده دارند آشنا می شوند بلکه مهم تر از آن، با وجود خودشان به عنوان انسان مسئول و تصمیم گیرنده و خلاق نیز آشنا می شوند. این همان چیزی است که در ابتدای مطالب به عنوان بزرگ ترین عامل ایجاد گروه های انسانی و جامعه انسانی از آن یاد شده است.

«کودک برای زندگی و خوشبخت شدن فقط به هوش احتیاج ندارد، او باید توانایی‌های دیگری نیز کسب نماید، از جمله ارتباط با خانواده. او نیاز به روابط اجتماعی و اجتماعی شدن دارد؛ بنابراین باید بتواند با پرورش توانایی‌های رفتار اجتماعی به احساس خوشحالی و غم جمعی، زندگی در جمع و بسیاری از خصوصیات زندگی مشترک از جمله ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به جامعه برسد و بیاموزد که یک انسان باشد» (رفیع پور، ۱۳۷۷، ص ۳۷۲). این انسان شدن را باید از طریق کتاب‌های درسی نظام آموزشی به کودکان و نوجوانان آموزش داد. محتوای کتب درسی باید با این هدف هماهنگ باشد تا بتواند به کارکرد موردنظر و نیاز نظام اجتماعی پاسخ مثبت دهد.

این که نظام‌های آموزشی از طریق ساز و کارهای آموزشی چگونه و تا چه اندازه بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های جنسیتی را تداوم می‌بخشند، سؤال بسیاری از جامعه‌شناسانی است که در عرصه جنسیت و آموزش و پرورش فعالیت می‌کنند.

هدف، «ایجاد فرصت‌های آموزشی برابر برای همگان» حتی تا آن جا که به مواد درسی رسمی برمی‌گردد، هدفی به نسبت تازه است. تا پس از تصویب قانون رفع تبعیض جنسی سال ۱۹۷۵ بریتانیا در نهاد‌های آموزشی، رفتار کاملاً متفاوت با دختر و پسر قانونی بود؛ هم از نظر رشته‌های عرضه شده به آنان و هم از جهت نظام‌های سهمیه‌بندی که تعداد افراد یک جنس را در دوره‌های مختلف محدود می‌کرد. این تصور که زن و مرد توانایی‌های فکری و علایق متفاوتی دارند، چنین رفتاری را توجیه می‌کرد.

مطالب عنوان شده در بالا، مربوط به کشور بریتانیا است. در نظام آموزشی ایران نیز این روند وجود داشته است. در ۱۹۶۷ سازمان ملل، قطع‌نامه‌ای را به تصویب رساند که بر طبق آن «تمام اقدامات مقتضی برای تضعیف حقوق برابر برای دختران و زنان - متأهل یا مجرد - مردان در تمام سطوح آموزشی باید اتخاذ شود.» این قطع‌نامه هم چنین خواستار دسترسی برابر به رشته‌ها و دروس مختلف و نیز امکان انتخاب برنامه‌های درسی، شرکت در آزمون‌نامه‌ها و تأمین توانایی آزموده برای هر دو جنس در نهاد‌های آموزشی، خواه مختلط، یا جداگانه است. با این که در سال‌های اخیر از لحاظ ظاهری در مراکز آموزشی بین دختران و پسران تبعیض صورت نمی‌گیرد، ولی محتوای برنامه‌های آموزشی و به ویژه محتوای کتب درسی، حاوی کلیشه‌های جنسی است. در بیشتر این کتابها کارهای خارج از خانه، مردانه و کارهای داخل خانه، زنانه نشان داده شده است.

دیم؛ ۱۹۸۷ می گوید: «چنین مطالبی، با باورهای دختر و پسر که بار می آیند تا چنین تصمیمات خشکی را درست بپندارند، تحکیم و تأیید می شود، از آن ها چنین انتظاراتی نمی رود، احتمالاً دچار سردرگمی می شوند.»

«این کلیشه های جنسی در برنامه های آموزشی می تواند به صورت آشکار و مخفی باشد. کلیشه های آشکار برنامه های درسی میان رشته های اساساً زنانه و مردانه تمایز می گذارد» (گرت، ۱۹۷۸، ص ۸۱).

چنین کلیشه هایی دختر و پسر را از دستیابی به برابری امکانات در زمینه آموزشی باز می دارد و تعیین رشته را بر مبنای تبعیض جنسی به آنان تحمیل می کند و کلیشه های جنسی نهفته، می تواند روی رفتارهای اجتماعی افراد تحت تعلیم تأثیر بگذارد. آن ها را می توان در لایه های پنهان برنامه آموزشی که می تواند پیام هایی درباره موقعیت و ویژگی های گروه های اجتماعی و نقش های اجتماعی جایگاه و پایگاه و منزلت افراد جامعه به دانش آموزان منتقل کند، جستجو کرد. این نقش های اجتماعی بنا بر مطالب گفته شده، فرهنگ جامعه ای را می سازد.

فرهنگ هر جامعه ای تأثیر زیادی بر ساختار و کارکرد نهادهای اجتماعی می گذارد. زیرا نهادهای اجتماعی از دل فرهنگ هر جامعه ای گرفته شده و بازخورد آن بر نهادهای اجتماعی است.

«نهادهای [۱۲] و سازمان های آموزشی [۱۳]، برخاسته از بطن و متن نظام اجتماعی [۱۴] هستند؛ به عبارت دیگر، هر نظام اجتماعی در مسیر تکوین و واکنش های درون و برون جامعه بی خود دارای ساختار [۱۵] و کارکرد ویژه ای است. بنابراین، نهادها و سازمان های اجتماعی از جمله نهادها و سازمان های آموزشی نیز دارای ساختار، کارکرد و عملکردی می شود که برگرفته از ضرورت ها و نیازهای همان نظام اجتماعی می باشد.

با توجه به نقطه نظر فوق الذکر مدارس و مؤسسات آموزشی در ایران (به عنوان نهادها و سازمان های آموزشی) برخاسته از درون نظام اجتماعی ایران می باشد» (سیف الهی، ۱۳۸۱، ص ۳۶۷).

سیف الهی در مقاله ای تحت عنوان «مهارت های زندگی در مدارس» نیازهای آموزشی در ایران را این گونه بیان می کنند:

- ۱- زمینه سازی برای رشد و نمو فرد از نظر اعتقادات اخلاقی، دینی، روانی، جمعی و شخصیتی،
- ۲- آموزش نحوه زندگی کردن در جامعه، ۳- آموزش حرفه و فن برای امرار معاش و تامین

نیازهای زیستی - روانی، ۴- آموزش برای تصدی سمت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی- فرهنگی و اقتصادی جهت اداره امور جامعه» (سیف‌الهی، ۱۳۸۱، ص ۳۶۸).

پاسخ این پرسش که آیا نظام آموزشی کشور توانسته است به این اهداف برسد، نیازمند توجه به بسترفرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی جامعه است، زیرا نظام آموزشی در چنین بستری باید آموخته‌ها و آموختگان را مورد نیاز هر دو جنس (دختر و پسر) را فراهم کند.

تحولات اجتماعی (انقلاب، جنگ و...) که در ایران در سال‌های اخیر اتفاق افتاده است، قاعدتاً بر تفکرات راهبران اصلی انقلاب و بر کل سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی کشور تأثیرگذار بوده است. چون مبانی رویکردی نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور بر پایه بینش دین اسلام بنا شده است و گرچه دیدگاه قرآن در رابطه با زن، نگاهی است عادلانه، اما به نظر می‌رسد در تدوین کتاب‌های درسی به طور غیر عمد و ناآگاهانه این دیدگاه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. قرآن به عنوان معتبرترین سند تاریخی اسلام به زن به عنوان انسان می‌نگرد. در این کتاب مقدس الگوهای انسانی زیادی اعم از زن و مرد برای تعالی بشر آورده شده است، نظیر: مریم، یوسف، همسر فرعون، موسی، ملکه صبا، سلیمان، نوح، زن نوح و...

مریم و همسر عمران و همسر ابراهیم کسانی که ندای آسمانی را شنیده‌اند و نهایتاً ارزش‌ها و صفات خوب و بد انسانی، به زنان و مردان داده شده است. مطالب عنوان شده درباره زن در اسلام به طور مفصل بیان شده.

بعد از انقلاب اسلامی در ایران، نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور، بر پایه اصول و مبانی اسلام و دیدگاه‌های رهبران و هدایت‌گران انقلاب پایه‌ریزی شد. به طور کلی، دیدگاه بزرگان سیاسی و بالطبع آحاد جامعه نسبت به زن را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

- ۱- گروهی بر این باور هستند که زن موجودی گناهکار است.
- ۲- گروه دیگر به دلیل وسعت نگاهشان به انسان، زن را در وهله اول، انسان می‌بینند. جهت آگاهی از شرایط فکری و فرهنگی جامعه در خصوص زن، ضرورت دارد به آرای برخی صاحب‌نظران دو طیف اشاره شود.

۱- امام محمد غزالی

نظر امام محمد غزالی در خصوص جایگاه و پایگاه زن در جامعه در نوشته زیر بیان شده است:

«اما آن خصلت که حق تعالی زنان را بدان عقوبت کرده است؛ چون حوا در بهشت نافرمانی کرد و از آن درخت گندم خورد، حق تعالی زنان را به هجده چیز عقوبت کرد: اول؛ حیض، دوم؛ زادن، سوم؛ جدا شدن از پدر و مادر و مرد بیگانه را به شوهر کردن، چهارم؛ به نفاس آلوده شدن، پنجم؛ مالک تن خویش نباشد، ششم؛ کمی میراث، هفتم؛ طلاق که دست ایشان نگردد، هشتم؛ مرد را چهار زن حلال کرد و زن را یک شوی، نهم؛ در خانه معتکف بودن، دهم؛ در خانه سرپوشیده دارد، یازدهم؛ آن که گواهی دو تن برابر یک مرد نهاده اند، دوازدهم؛ بیرون نباید آمدن مگر با کسی محرم، سیزدهم؛ مردان را نماز عید و نماز آدینه و نمازه جنازه بود و از پس جنازه روند و غذا کنند و زنان را این ها نباشد، چهاردهم؛ امیری را نشاید و نه نیز قضا و نه حکم را، پانزدهم؛ آن که فضل هزار بهره است؛ یک بهره از آن زنان است و دیگر مردان را، شانزدهم؛ آن که در قیامت چندان که جمله امت را عذاب بود، یک نیمه از آن زنان (فاجر) را بود، هفت دهم؛ چو شویش بمیرد چهار ماه و ده روزش عدت بیاید داشتن، هشت دهم؛ آن که چون شویش طلاق دهد، سه ماه سه حیض عدت بیاید داشت» (یزدانی، ۱۳۷۸، ص ۳۰).

۲- امام خمینی

نقطه نظرات امام خمینی نسبت به نقش و منزلت زن در بیانات زیر مستتر است: مقوله دیگر، تشخیص و منزلت زنان مسلمان در علم و فرهنگ با تأکید بر تربیت و تهذیب نفس است. در شاخص اول، اشتغال زنان به تعلیم و تربیت در سطوح مختلف و نیز تحصیل و تعلم زنان در زمینه های مختلفی چون علوم تجربی، صنعت، فرهنگ و ادب، عرفان، فلسفه، فقه، علوم قرآنی و به طور کلی تمام شعب علم مورد تأیید قرار گرفته است و این تأیید نشان دهنده مسیر حرکت زنان در زمینه علم و فرهنگ در جامعه اسلامی است.

در شاخص دوم، علاوه بر تأکید در زمینه تعلیم و تعلم علوم و قرین شدن با فرهنگ صحیح، تأکید بر تهذیب نفس به عنوان جزء لاینفک فعالیت انسان (زن و مرد) در زمینه علم و عمل، جهت تحقق مقاصد فردی و اجتماعی با اهداف اسلامی و انسانی مشاهده می شود. در این راستا زنان باید به پایه و مرتبه ای بلند برسند تا توان تربیت افراد جامعه را پیدا کنند؛ آنان باید در میدان علم و تحصیل نیز به مجاهده بپردازند و از تمامی فرهنگ اسلام دفاع نمایند.

تعلیم و تعلم زنان و دختران باید به شیوه انسانی و اسلامی تحقق یابد و منجر به تحول روحی آن ها در همین ابعاد انسانی و اسلامی گردد. تأثیر این امر در دو سطح فردی و اجتماعی قابل تأمل

است. در سطح فردی این تأثیرات عبارتند از: الف- رشد فکری و علمی زنان، ب- تحقق مقام انسانی برای زنان.

آنچه قابل اغماض نیست این است که تمام این نقش‌ها در چهارچوب یک نظام با ارزشهای انسانی و الهی می‌تواند نقش‌هایی مثبت، سازنده و در جهت مقاصد انسانی و الهی جریان یابد؛ زیرا سیاست‌های کلی و خط‌مشی‌های اصولی توسط ساختار سیاسی - اجتماعی جامعه است که تعیین می‌گردد.

به این ترتیب زن نه تنها با حضور مثبت و سازنده و فعال خود در جامعه؛ بلکه با حضور در روحيات و ذهنيات مردان خود و فرزندان خود و در نهايت با حضور در روحيات و ذهنيات جامعه، مسير اصلي جامعه و تکامل جامعه انساني را تعيين مي‌کند.

۳- آیت ۱... جوادی آملی

آیت ۱... جوادی آملی اظهار می‌دارد:

آن فصلی که می‌گوید چه چیزی ارزش است و چه چیزی ضد ارزش، مانند آن آیاتی که علم را ارزش می‌داند، جهل را ضد ارزش، ایمان را ارزش و کفر را ضد ارزش می‌داند، ذلت و عزت، سعادت و شقاوت، فضیلت و رذیلت، حق و باطل، صدق و کذب، تقوی و فجور، اطاعت و عصیان، انقیاد و تمرد، غیبت و عدم غیبت، امانت و خیانت را به عنوان مسائلی ارزشی و ضد ارزشی می‌داند و هیچ کدام از این اوصاف نه مذکرند و نه مؤنث و آن فصلی که عهده‌دار بیان موصوف این ارزش‌ها است، می‌گوید این اوصاف هرگز بدن نیست. یعنی بدن، مسلمان یا کافر، عالم یا جاهل، متقی یا فاجر، صادق یا کاذب، محق یا مبطل، فاضل یا رذیل نیست. عقل نظری که وصفش اندیشه و علم است، آن هم نه مذکر است و نه مؤنث. دل که کارش کشف و شهود است، آن هم نه مذکر است و نه مؤنث. جان که وصفش فجور و تقوی است، نه مؤنث است نه مذکر؛ چه این که فجور و تقوی، نه مذکرند نه مؤنث. اگر مسائلی که به علم بر می‌گردد - خواه علم حصولی خواه علم حضوری - هیچ کدام ذکور و انوثن را نداشت، عالم که به علم حصولی یا شهودی، متصف می‌شود، آن هم نه مذکر است و نه مؤنث. اگر در مسائل علمی نه از جهت صفت و نه از لحاظ موصوف سخن از ذکور و انوثن نیست، نمی‌توان بحث کرد که در مسائل علمی، زن و مرد همتای هم هستند یا متمایز؟ هم چنین در مسائل اخلاقی که به عقل عملی بر می‌گردد مانند: اراده، خلوص، ایمان، باور کردن، تهذیب، صبر، توکل و ... و مسائلی از این قبیل، هیچ

کدام از این ها، نه مذکرند و نه مؤنث. عقل عملی هم که موصوف به این مسائل اخلاقی است، آن هم نه مذکر است و نه مؤنث. یعنی اگر صبر، ذکورت و انوئت نداشت، یک جا می گویم صابر و یک جا می گویم صابره. یکجا می گویم عالم و جایی دیگر می گویم عالمه. تأنیث لفظی را نباید در مسائل تحلیلی راه داد؛ زیرا آن که عالم یا مؤمن است، یعنی صاحب ارزش است، جان است و جان، نه مذکر است و نه مؤنث. اگر کسی در خلال این بحث ها ذکورت و انوئت را مطرح کرد، مبتلا به مغالطه شد، - از باب اخذ ما بالعرض مکان بالذات - خواه به صورت تأیید و ابرام و خواه به نحو تخریب و نقض» (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۶۶).

ضد ارزشها، نه مذکرند و نه مؤنث

چه این که بیماری ها را که مسائل ضد ارزشی است به دل نسبت می دهد، آن بیماری هایی که ضد ارزش است، آن ها هم نه مذکر است نه مؤنث. مثلاً در سوره مبارکه احزاب به همسران نبی اکرم - عله آلاف تحیه و الثناء - می فرماید: شما در هنگام سخن گفتن هم خوب حرف بزنید، هم حرف خوب بزنید و صدا را نازک نکنید:

«... فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرضاً و قلن قول معروفاً» (سوره احزاب، آیه ۳۲)

از این آیه کریمه استفاده می شود آن مردی که در برابر صدای زن نامحرم طمع می کند، مریض است؛ این مرض نه مذکر است و نه مؤنث. آن قلبی هم که به این بیماری مبتلا است نه مذکر است نه مؤنث. در مسأله کتمان شهادت در محکمه عدل نظام اسلامی نیز می فرماید:

«... و من یکنمها فانه اثم قلبه...» (سوره بقره، آیه ۱۱)

اگر کسی شهادت لازم را در محکمه عدل کتمان کرد و آن را اداء نکرد، قلبش معصیت کرده است. عصیان و گناه یک ضد ارزش است و قلبی که مبتلا به گناه است، هیچ کدام نه مذکرند و نه مؤنث. همچنین بینش ها و معارف و مسائل اسلامی و قلبی که یاد می گیرند، نه مذکر است و نه مؤنث. درباره آن قلبی که می بیند، می فرماید:

«... و من یومن بالله یهد قلبه...» (سوره تغابن، آیه ۱۱)

و درباره آن قلبی که نسبت به معارف کور است، در سوره حج می فرماید:

«... فانها لاتعمی الابصار و لاکن تعمی القلوب التي فی الصدور» (سوره حج، آیه ۴۶)

آن که جاهل است دل است. آن که عالم است نیز دل است، چیزی که مادی است، ظرف اندیشه نیست و چیزی که مجرد است وصف مادی نمی‌پذیرد؛ بنابراین نه مذکر است و نه مؤنث» (جوادی آملی؛ ۱۳۶۹، ص ۷۱).

یافته‌های برگرفته از مطالعات اسنادی در خصوص جنس پرستی در کتاب‌های درسی مدارس وزارت آموزش و پرورش

پیش داوری‌ها، تصورات و قالب‌های ذهنی، موضوعی است که در ایران کمتر به آن پرداخته شده است. در مورد تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، چندین تحقیق توسط پژوهش‌گران در ایران انجام گرفته که تعداد کمی از آنها به طور رسمی به عنوان پایان‌نامه یا کتاب در دسترس است. در این قسمت تا حد توان و امکانات موجود، به بررسی گوشه‌ای از این تحقیقات پرداخته شده است.

در تحقیقی که توسط خانم شهین بیرجندی شهری با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی پایه سوم از نظر جنسیت» در بهار ۷۸ تهیه و تنظیم شده است، تحقیقات ایشان این واقعیت را می‌رساند که کتاب‌های درسی بر اساس پیش داوری‌ها و قالب‌های ذهنی مبتنی بر تفاوت بین دو جنس، تدوین شده است.

با توجه به پژوهش انجام شده در می‌یابیم که فراوانی شخصیت‌های مرد و زن، مشاغل، مکان فعالیت هر یک از دو جنس، و ... یکسان نیست.

در نوشته و تصاویر هر شش کتابی که ایشان بررسی کرده‌اند، تبعیض مبتنی بر تفاوت‌های جنسی به چشم می‌خورد. اکثر نقش‌ها بر اساس همان پیش داوری‌ها به هر یک از زنان و دختران، مردان و پسران، ارائه شده است.

دانش‌آموزان ما، همان تصورات قالبی را که بین دختر و پسر توانایی‌ها، استعدادها، هوشمندی‌ها، تلاش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی تفاوت‌قائل است، دریافت می‌کنند و دانش‌آموزان بر اساس نقش‌های ارائه شده به آنان، درزندگی آینده چنان عمل می‌کنند.

از طریق نوشته‌ها و تصاویر کتاب به دختران القا می‌شود که در آینده با پذیرش نقش مدارس، فعالیت‌هایشان به محیط بستر خانه و انجام کارهای خانه محدود می‌شود.

در کلیه کتاب های درسی پایه سوم، مجموعاً از اسامی مذکر بیش از اسامی مؤنث استفاده شده است و برای مردان، مشاغل زیادی مطرح شده که دانش آموزان پسر، در آینده می توانند به آنها دست یابند.

تمام نقش های فعال، متعلق به مردان و پسران است. فضای فعالیت مردان و پسران اکثراً فضای باز است. صفات مثبتی که برای مردان بیان شده، خیلی بیشتر از صفات مثبت زنان است. از تصاویر مردان و پسران بیش از تصاویر زنان و دختران استفاده شده است. مساحتی که به تصاویر مردان و پسران اختصاص داده شده، بیش از مساحتی است که به تصاویر زنان و دختران اختصاص دارد. از نوشته نویسندگان و شاعران مرد بیش از زنان استفاده شده و در کلیه اسامی مؤنث و مذکر که در کتاب های درسی به کار رفته، غلبه با اسامی مذهبی است. بیشتر فاعل های جمله مردان هستند و به طور کلی مردان فعال و زنان منفعل نمایش داده شده اند.

از هیچ مخترع و دانشمند مؤنث-ایرانی و غیر ایرانی-در هیچ یک از کتاب های درسی نامی به چشم نمی خورد. بیشترین نقش زن در کلیه کتاب ها نقش مادر است و به نقش زن به عنوان همسر زن، اشاره ای نشده است.

شغل معلمی بیشترین فراوانی را در بین مشاغل زنان به خود اختصاص داده است. از نظر هوشمندی و استعداد و کنجکاوی، تفاوت آشکاری بین دختران و پسران در کنجکاوی درسی دیده می شود. فعالیت های فکری بیشتر اختصاص به جنس مذکر دارد.

در گروه تدوین گران کتاب ها نیز از نظر فراوانی، برتری مردان نسبت به زنان مشاهده می شود و نقش مادر به انجام دادن کارهای خانه، آشپزی، نظافت، خرید و مراقبت و پرستاری از فرزندان محدود شده است.

بین متن ها و تصاویر ارائه شده در کتاب های درسی و آن چه کودک و نوجوان در جامعه هر روز شاهد آن است، تضاد و تعارض وجود دارد.

از ۷۹۴ فراوانی اسم، ۵۸۶ نام متعلق به جنس مذکر، و تنها ۲۰۸ نام متعلق به جنس مؤنث است. ۸۶/۸۴ درصد مشاغل معرفی شده، مربوط به جنس مذکر، و تنها ۱۳/۱۵ درصد مشاغل معرفی شده مربوط به جنس مؤنث است.

۶۷/۳۳ درصد تصاویر مربوط به جنس مذکر، و ۱۶/۶۶ درصد تصاویر مربوط به جنس مؤنث است. نقاشان مرد ۶ برابر نقاشان زن هستند.

در فصلنامه علوم اجتماعی پاییز و زمستان ۷۰، مقاله‌ای از شهلا اعزازی چاپ شده، تحت عنوان «تضاد میان آموزش و پرورش و جامعه» که در آن ضمن بررسی کتاب فارسی اول، به تضادی که در متن و تصاویر کتاب و آنچه در جامعه مورد مشاهده کودکان قرار می‌گیرد اشاره دارد: "در مجموع، تصویر پسران ۱۰۸ بار و تصویر دختران ۵۳ بار ارائه شده است". محقق در پژوهش خود به تصویر خانواده به عنوان گروه اولیه در کتاب فارسی اول اشاره می‌کند و این که پدر خانواده نقش بسیار مهمی را در ارتباط با مردم دارد و مادر فقط از فرزندان مراقبت و به امور مربوط به نظافت و پختن غذا مشغول است. مشاغل مطرح شده از نظر زن و مرد بسیار متفاوت است و زنان فقط در شغل‌های معلم و مدیر دیده می‌شوند.

همچنین محقق دیگری به نام ریحانه رضا زاده مقدم، تحقیقی را تحت عنوان: «بررسی نحوه معرفی شخصیت زن در کتب درسی دوره متوسطه نظام قدیم سال ۷۵» انجام داده است که ضمن بررسی کتاب‌های علوم اجتماعی، بینش اسلامی و متون و ادبیات فارسی دوره متوسطه، به بررسی شخصیت زن و معرفی او در کتاب‌های مذکور پرداخته است؛ همچنین به این نتایج دست یافته که در کتاب‌های مذکور، نقش‌های اجتماعی زنان، بالاترین فراوانی نسبی را به این قرار دارند: در علوم اجتماعی با فراوانی ۷۸٪، در بینش اسلامی با فراوانی نسبی ۹۰٪، و کتب ادبیات با فراوانی گرایش مثبت، بالاترین حجم جملات را به خود اختصاص داده است. ۹۸٪ نقش‌های مردان در علوم اجتماعی با بالاترین فراوانی نسبی ۸۸٪، بینش اسلامی ۹۴٪ و ادبیات ۱۰۰٪.

در تحقیقی تحت عنوان «مطالعه و بررسی نقش و منزلت اجتماعی زن در کتاب‌های ادبیات فارسی مدارس ایران» به راهنمایی سیف... سیف الهی توسط خانم مریم ابراهیمی انجام گرفته است وجود کلیشه‌های تبعیض آمیز جنسیتی مشاهده شده است.

کتاب‌ها در این زمینه با فن تحلیل محتوا و مشاهده مستقیم مورد بررسی قرار گرفته و فرضیه عدم برابری فراوانی شخصیت‌های زن و مرد، با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده مورد تأیید قرار گرفته است.

بدین منظور کتاب های درس ادبیات فارسی مدارس از نظر فراوانی اسامی، مشاغل، تصاویر، واژه های جنسیتی، نوع فعالیت، صفات و ویژگی های هر دو جنس، مورد تحلیل قرار گرفته و اطلاعات ذیل پس از ثبت در جداول و نمودارها و تجزیه و تحلیل نتیجه گیری شده است. از مجموع ۳۰۲۹ اسم استفاده شده ۱۶٪ اسامی مربوط به زنان و بقیه به مردان اختصاص یافته است. از تعداد ۷۸۲ اسم مشاهیر، ۳۷ اسم مربوط به زنان و بقیه مربوط به مردان است. از مجموع ۱۱۷۰ تصویر مربوط به انسان ها، ۳/۲۴ درصد تصاویر مربوط به زنان و بقیه به مردان تعلق دارد. از مجموع ۱۲۲ تصویر مشاهیر، تنها یک تصویر زن و ۱۲۱ تصویر مخصوص مشاهیر مرد است. از مجموع ۱۸۵۹ واژه جنسیتی به کار رفته در کتاب ها، ۶/۲۴ درصد واژه ها مربوط به زنان، و بقیه مربوط به مردان است؛ درصد بیشتر واژه های جنسیتی زنان، واژه های نسبتی مانند: مادر و زن می باشد. در تدوین کتاب های درس ادبیات فارسی مدارس از ۸۸ مؤلف استفاده شده است که ۲۲ مؤلف، زن و ۶۶ مؤلف مرد هستند. قابل ذکر است که بیشتر مؤلفین زن، مربوط به کتاب های دوره ابتدایی می باشند.

شغل درصد بیشتری از زنان شاغل در کتاب های مورد بررسی، «معلم» می باشد. از بررسی مجموع نمودارها و جداول مشخص شد که از نظر کمی و کیفی در هر زمینه به زنان کم توجهی شده و متون و تصاویر بر اساس پیش داری ها و قالب های ذهنی مبتنی بر تبعیض جنسی تدوین شده اند. عمده یافته های تحقیق در حوزه جنس پرستی در آموزش و پرورش در ایران را می توان به طور خلاصه چنین داشت:

- کلیه کتاب های درسی مورد مطالعه، تصاویر کمتر به زنان اختصاص یافته، به خصوص در دوره راهنمایی و دبیرستان. در بیشتر تصاویر، پسرها بلند پرواز، جویای کار، متبحر و پرهیجان نمایانده شده اند. پسرها در تصاویر، اکثراً آزاد و رها دیده می شوند؛ اما بر عکس، دخترها در تصاویر بیشتر محافظه کار و ترسو هستند و کمتر به تنهایی دیده می شوند. آنها افرادی خجالتی و بی فعالیت نشان داده شده اند. بیشتر تصاویر دختران مربوط به دانش آموزانی است که در مدرسه، ساکت و آرام نشسته اند.

- زنان در تصاویر بیشتر مادرند و در حال مراقبت از فرزندان یا دیگر افراد خانواده می‌باشند. زنان را در محیط‌های باز کمتر می‌توان دید، آن‌ها محدود به محیط خانه یا مدرسه می‌باشند. دختران در خیابان، همواره با پدر و مادر در حال خرید یا عبور از خیابان با لباس فرم مدرسه هستند.

- نقاشی زنان و دختران حتی در خانه نیز با روسری و مانتو است. در کمتر تصویری می‌توان زنان را در محیط خانه با لباس گلدار دید. به نظر می‌رسد با این تصاویر دختران جوان باید به این باور برسند که برای حفظ حجاب باید شب را نیز با روسری و مانتو بخوابند!

- در فعالیت‌های اجتماعی دیده شده در تصاویر نیز می‌توان گفت که زنان در خیابان‌ها مشغول خرید کالای آشپزخانه و یا لباس برای اعضای خانواده هستند؛ ولی مردان کیف به دست، در حال رفتن به سرکار هستند. آنان معمولاً دارای شغل‌هایی از قبیل: پلیس، پزشک و ... می‌باشند یا در حال خرید کتاب هستند؛ ولی از فعالیت اجتماعی زنان خبری نیست. نهایتاً تنها شغل زنان در بیرون خانه می‌تواند معلمی باشد و دختران جوان فقط برای رفتن به مدرسه مجوز حضور در بیرون از خانه را دارند؛ حتی در محیط‌های باز که دختران و پسران برای تفریح به بیابان و کوه تفریحگاه‌ها رفته‌اند، دخترها با مربی یا خانواده خود دیده می‌شوند؛ ولی پسرها بدون مراقبت، آزاد و رها در حال پارو زدن، کوهنوردی و ورزش و ... هستند. در تفریحگاه خانوادگی نیز پسرها در حال تفریح‌هایی مثل ماهیگیری و ... هستند و دخترها و زن‌ها در حال آماده کردن مقدمات نهار برای مردها و پسرهایی که به تفریح می‌پردازند، دیده می‌شوند.

- در تصاویر مربوط به دوران انقلاب نیز زنان کمتر در تظاهرات نشان داده می‌شوند؛ حتی تظاهرات بعد از انقلاب اسلامی که رهبر انقلاب با جوانان صحبت می‌کنند، فقط مردان حضور دارند.

- در درس‌هایی که از مسائل دینی صحبت به میان می‌آید، الگوهای بزرگ زنان در صدر اسلام کم‌رنگ است.

- در کتاب‌های درسی مدارس به خصوص درس فارسی تعداد درس‌های مربوط به دوران انقلاب و جنگ کم نیستند ولی متأسفانه از زنان در این میان صحبت به میان نمی‌آید و به نظر می‌رسد زنان حذف شده‌اند.

- در کتاب های درسی مدارس، با نقش ها و مشاغل گوناگونی با توجه به جنسیت افراد آشنا می شویم که پدر خانواده در نقش پدر می تواند نقش های اجتماعی دیگری مثل کارگر، پزشک، راننده، کارمند و... داشته باشد؛ ولی مادر در نقش خود، مراقب کودکان و دیگر اعضای خانواده می باشد و از حضور اجتماعی زنان در جامعه خبری نیست. در بیشتر تصاویر، دانش آموزان پسر مشغول تفکر، رسیدگی و بحث و تبادل نظر در مورد مسائل مهم مثل: انتخاب نماینده کلاس و مسائل اقتصادی و... می باشند و با تفکر به پاسخ سؤالات خود می رسند؛ ولی دختران همیشه در حال کارهای ظریف زنانه هستند و پاسخ پرسشهای خود را از یک مرد به عنوان برادر یا پدر دریافت می کنند.

- در کتاب های درسی؛ حتی به نقش پررنگ مادر در مسائل مختلف اقتصادی، خانواده و تربیتی فرزندان کمتر اشاره شده است. در تصمیم گیری ها، زن فقط ناظر کوچکی است که قضایا را می نگرد بدون آن که اظهار نظر کند.

- به طور کلی نقش زنان در کتاب های درسی مدارس چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی، با نقش هایی که زنان در جامعه امروز ایفا می کنند، هیچ تشابهی ندارند و دختران در این کتاب ها با نقش های اجتماعی که توان و استعداد احراز آنها را دارند، آشنا نمی شوند.

می توان نتیجه گرفت که الگوهای مناسب در زمینه های: دینی، اقتصادی، سیاسی، ورزشی، علمی، تربیتی، ... برای دختران در تمام کتاب های درس مدارس به ندرت یافت می شود.

- همچنین نقاشی زنان و دختران در خانه نیز حتی با روسری و مانتو است. در کمتر تصویری می توان زنان را در محیط خانه با لباس گلداز دید. به نظر می رسد با این تصاویر دختران جوان باید به این باور برسند که برای حفظ حجاب باید شب را نیز با روسری و مانتو بخوابند!

- ارزشهای انسانی نیز در کتاب ها، بیشتر به مردان تعلق دارد مثل: هوشیاری، گذشت، و صبر، شجاعت، دانش اندوزی و امثال این ها، در صورتی که در تعالیم اسلام و در قرآن و یا احادیث هیچ جا انسان به خاطر مرد بودنش برتر از زنان شناخته نشده است. در این رابطه عدم تفاوت جنسیت و ارزشمندی انسان ها می توان به این آیه اشاره کرد: "که در نزد خداوند همه انسان ها یکسانند و همه انسان ها از یک سرشت آفریده شده اند" (سوره نساء، آیه ۱).

درباره ویژگی‌های، شخصیتی نابرابر مردان و زنان نیز کلیشه‌های جنسیتی در کتاب‌های درس فارسی مدارس بسیار دیده می‌شود. مردان چنان توصیف شده‌اند که گویی باهوش‌تر، کنجکاو‌تر، متکبرتر، شجاع‌تر، فداکارتر، جسورتر از زنان هستند و زنان حساس، نازک‌نارنجی و موجوداتی هستند که از خود نمی‌توانند دفاع کنند. دختران کوچک فقط عروسک بازی می‌کنند، خجالتی‌اند و حتی نمی‌توانند به تنهایی سوار تاب شوند و یا خرید کنند و زنان فقط قادر به انجام کارهای خانه هستند و هیچ کار دیگری از آنان بر نمی‌آید.

- در کتاب‌های درسی حتی نقش مادر به عنوان اولین مربی انسان‌ها نادیده گرفته شده است. مادر کسی است که فقط غذا می‌پزد و کارهای منزل را انجام می‌دهد و نهایتاً از افراد خانواده پرستاری می‌کند.

- می‌توان گفت غالب نوشته‌ها و تصاویر کتابهای درسی، مبتنی بر تفاوت‌های جنسی است که قابلیت‌ها و توان و استعداد دختران را نادیده گرفته و همیشه نقش اول و نیروی فعال را به مردان اختصاص می‌دهد.

شاید حتی به جرأت بتوان گفت که زنان از کتاب‌های درس مدارس ایران؛ به خصوص دوره راهنمایی و دبیرستان حذف شده‌اند. در پایان متذکر می‌شوم که برای ریشه‌کن کردن تبعیض جنسی، مسلماً از بین بردن آن در کتاب‌های درسی کافی نیست؛ ولی این می‌تواند گامی در جهت آموزش به افرادی باشد که در آینده قرار است بنیان‌گذاران نظام ارزشی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی کشور باشد. ...

- همه متون و تصاویر مربوط به دفاع مقدس، مربوط به رزمندگان مرد است که با شجاعت از آنان یاد شده و از هیچ زن مبارز و اسیر رزمنده و پشتیبان و یا فعال در دفاع مقدس یاد نمی‌شود؛ زنان متون دفاع مقدس فقط، همسران و مادران شهدا می‌باشند.

- متن‌های مربوط از نویسندگان زن، در کتاب‌های درس فارسی مدارس، بسیار اندک استفاده شده در مقابل، درصد بیشتر متن‌ها مربوط به شعرا و نویسندگان کهن و معاصر مرد ایران و جهان می‌باشد.

پیشنهاد‌های راهبردی و کاربردی

- همان‌طور که گفته شد در تصاویر مربوط به دوران انقلاب زنان کمتر در تظاهرات دیده می‌شوند. نادیده گرفتن این قشر عظیم از جوانان، عواقب وخیمی داشته است؛ دختران جوان سعی

داشته اند نشان دهند که هستند؛ زیرا حضورشان فعال ولی بی برنامه صورت گرفته و برای بودنشان هیچ جای خالی که در آن جایگاه قرار گیرند، وجود نداشته و برنامه ریزی نشده است. حضور چشم گیر دختران جوان در دانشگاه ها شاید مدعی همین امر باشد و یا شاید افزایش فرار دختران جوان شهرستان ها از خانه ها می تواند دلیلی بر این امر باشد که برنامه ریزی برای حضور دختران جوان و نشان دادن و بروز ظرفیت های شان ممکن نبوده است.

- در درس هایی که از مسائل دینی صحبت به میان می آید الگوهای بزرگ زنان در صدر اسلام کم رنگ است، در صورتی که در کنار تمام مردان بزرگ، ائمه و پیامبر بزرگ مان و اصحاب ایشان، زنان شریف و بزرگواری حضور داشته اند که نقش مهم و یا حتی نقش مستقیمی در روند شکل گیری اسلام و تشیع داشته اند. زنانی چون: حضرت خدیجه (س)، حضرت فاطمه (س)، حضرت زینب (س) و ... در صدر اسلام نقش حضرت زینب و حمایت از حماسه عاشورا که نقطه عطفی در مبارزات زنان مسلمان است، نشانه ای از نگرش زنان مسلمان و متعهد نسبت به جامعه خویش است. حضرت زینب با خطبه خود در دادگاه ظالمان زمانه، از پایمال شدن خون حسین به دست ناکسان جلوگیری کرد و پرچم خونین حماسه حسینی را در شام برافراشت.

قرآن در آیات بسیاری در مورد زن و مقام و رسالت او سخن گفته است. با استناد به آیات قرآن که خداوند همه انسان ها را یکسان آفریده و کسی را به کسی برتری نداده، انسان ها می توانند در سایه تقوای الهی و حفظ حرمت انسانی خود در کنار هم، مردان و زنان در کلیه عرصه های اجتماعی فعالانه تلاش کنند؛ ولی متأسفانه در کتاب های درس فارسی، حتی در میان آیات و روایات، هرگز روایتی از فاطمه زهرا (س) یا زنان دیگر صدر اسلام نشانی نمی بینیم.

- در جامعه، زنان بسیاری داریم که با درست اندیشی و تفکر و مطالعه، مشکلات حضورشان در جامعه را به عنوان عضوی فعال، برطرف می کنند. بیشتر این زنان مجبورند به خاطر مسائل عرفی، بیشتر از زنان خانه دار، مادر، باشند تا بهانه به دست کسی ندهند. زنانی که بیشتر از توان خود کار می کنند، تا فقط در جامعه حضور داشته باشند. متأسفانه در کتاب های درسی مدارس، از این زنان اصلاً نام برده نشده است.

باید توجه داشت مخاطبان این کتاب‌ها، دختران و پسرانی هستند که به طور یکسان از این کتاب استفاده می‌کنند و دختران و پسران از طریق همین کتاب‌های درسی است که با استعدادها، توانایی‌ها و علائق و کارایی خود آشنا شده و ظرفیت‌های خود را بروز می‌دهند.

- در تدوین هر یک از کتاب‌های درسی، تفکر و تعمق کافی لازم است؛ بهتر است با نگاهی ریزبینانه و واقعی به جامعه‌ای که کتاب در دست‌شان قرار می‌گیرد، تدوین کتاب‌ها انجام گیرد؛ زیرا مخاطبان این کتاب‌ها از هر دو جنس (دختر و پسر) هستند و باید بدون پیش‌داوری‌ها و فضاهای مبتنی بر تفاوت بین دو جنس مرد و زن، در میان مسائل و مفاهیم ادبی، از مسائل: اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه خود صحبت نمایند تا دانش‌آموزان جایگاه خود را به درستی بیابند. همانطور که در ادبیات فارسی کهن و معاصر ما که توسط شاعران و نویسندگان فهیم و پرآوازه، مسائل اجتماعی مدنظر قرار گرفته است.

- دختران و پسران ما باید باور کنند که هر یک از آنان جدای از جنسیت متفاوت، می‌توانند به خوبی از عهده وظایف و نقش‌های اجتماعی مورد علاقه خود برآیند و به عنوان یک انسان، خود را در قبال جامعه مسئول بدانند و عضو مفیدی برای جامعه باشد؛ ولی متأسفانه در کتاب‌های فارسی هیچ یک از مقاطع تحصیلی چنان چه در فصل قبل نیز با جداول و توضیحات نوشته شده، به این مهم توجهی نشده است. این کتاب‌ها برای دختران و پسران نوشته شده است. باید به این نکته توجه می‌شد هم چنان که پسران علاوه بر پذیرش نقش پدری در آینده می‌توانند در جامعه فعالانه کوشش کنند و عضو مفیدی در به ثمر رساندن آرمان‌های جامعه باشند، دختران نیز علاوه بر پذیرش نقش مادری در آینده، می‌توانند به عنوان عضو مفیدی در جامعه معرفی شوند و شایستگی خود را بروز دهند. این شناخت و بینش تا حد زیادی می‌تواند از طریق کتاب‌های درسی به کودکان و نوجوانان و جوانانی که راهی محیط‌های دانشگاهی می‌شوند، القا شود.

- از این طریق باید این گروه از افراد جامعه باور و احساس کنند بین آن چه در جامعه می‌بینند و مطالب کتاب‌های درسی‌شان هیچ تفاوتی نیست و فعالیت‌های زنان و مردان برای پیشرفت جامعه در کتاب‌های درسی منعکس شده است.

- همان‌طور که گفته شد، به نظر می‌رسد کتاب‌های فارسی دوره راهنمایی بیشتر در حیطه ادبیات جنگ تدوین شده‌اند. شاید یکی از دلایل این باشد که این کتاب‌ها از بعد از پیروزی انقلاب

تاکنون، کمتر بازنگری و دوباره نویسی شده باشد. تدوین این کتاب ها در سال‌هایی صورت گرفته که کشور دست خوش مسائل مربوط به جنگ و یا سال‌های بعد از دفاع مقدس است؛ به همین خاطر موضوع زنان در این کتاب ها از لحاظ کمی، آن قدر اندک است که نمی‌توان روی نقش و منزلت اجتماعی زنان در آن ها بحث نمود.

- باید توجه داشت که در پیروزی انقلاب و دفاع مقدس نیز زنان نقش ویژه ای را بر عهده داشته‌اند. زنان در مبارزات قبل از پیروزی انقلاب اسلامی همراه مردان، علیه استبداد و جور و ستم حکومت شرکت کرده و در کنار مردان به شهادت رسیدند. می‌توان گفت در دوران انقلاب و هم چنین در دوران جنگ زن به عنوان عضوی فعال که نقش مهمی در تعیین سرنوشت خود داشته مطرح بوده؛ از زنان شهید، زنان مبارز و ... در انقلاب و زنان مبارز، زنانی که از فرزندان خود در مقابل دشمن عراقی دفاع کرده اند (سیده خاتون)؛ حتی زمانی که در پشت جبهه مسئول جمع آوری آذوقه در جبهه بوده اند، از زنانی که در جبهه ها به عنوان پرستار و پزشک دوشادوش مردان مبارزه کرده اند و ... یا هیچ خبری نیست و یا اندک است. با نادیده گرفتن حضور زنان در این مقاطع، دختران ما الگوی مناسبی برای مبارزه پیدا نمی‌کنند. شاید یکی از دلایل درصد زیادی منافقینی که در عملیات مرصاد شرکت کرده اند دختران جوان بوده اند؛ همین امر می‌باشد.

- در کتاب‌های درسی به نظر می‌رسد از زنانی که منفعل نیستند، فرزندان شان را خودشان بزرگ می‌کنند و در بیرون خانه نیز به کار مشغول می‌باشند، خبری نیست. زنانی که مسئولیت‌های حرفه‌ای دارند، زنانی که در جامعه سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی نقش‌های مهم اساسی بر عهده دارند، نمایندگان ملت اند و در امور اداری وزارتخانه ها نقش‌های کلیدی و مدیریتی بر عهده دارند. دانشمندان بزرگ در زمینه‌های علمی پیشرفته و پزشکان مفیدند، در عرصه‌های اقتصادی و کشاورزی بسیار موفق و در رده‌های اول مملکت قرار دارند، هنرمندان شایسته و صنعتگران زبردست و ورزشکارانی که رکورد شکن هستند و ... از این گونه زنان در کتاب‌های درسی هیچ گونه اثر و نشانه ای نیست. باید توجه داشت، چنانچه این تبعیض‌های جنسی در کتاب‌های درسی مسلط باشد، اثر آن فقط در گرایش‌های یادگیرندگان دختر برای آموزش و انتخاب حرفه و شغل تاثیر نمی‌گذارد؛ بلکه در برداشتی که هر جنس از جنس دیگر دارد نیز مؤثر است. بر همین اساس در یک تحقیق غیر رسمی، پسرها گرایش‌های شغلی دختران را کم اهمیت

دانسته و آن را با مشاغل زنانه سنتی که در راستای کارهای خانگی زنانه مثل پرستاری، معلم ابتدایی، آشپزی، خیاطی و مانند آن است، محدود کرده‌اند؛ اما دختران در پاسخ‌های خود نه فقط خواستار اجرا حرفه‌های سنتی شده‌اند، بلکه رغبت بیشتری برای کسب مشاغل جدید از خود نشان داده‌اند، مثل: پزشکی، روزنامه‌نگاری، خلبانی و مانند آن حضور رو به افزایش دختران در دانشگاه‌ها شاید دلیل بر همین تمایل باشد.

در جامعه امروز تا حد زیادی می‌توان دید که زنان در عرصه‌های مختلف به عنوان یک انسان جایگاه خود را یافته‌اند؛ ولی لازم است دختران با انواع نقش‌های اجتماعی و شغلی که توان و استعداد احراز آن‌ها را دارند، آشنا شوند. شاید سردرگم باشند که چنانچه قرار است در جامعه حضور داشته باشند، دیگر نمی‌توانند. مادران خوبی باشند. بر همین اصل از ازدواج طفره می‌روند و این گونه افکارشان طرح ریزی شده است که با ازدواج کردن دیگر نمی‌توانند ادامه تحصیل دهند یا استعدادهایشان را به همه نشان دهند و ثابت کنند که می‌توانند مانند مردان افراد موفق در جامعه باشند و شایستگی خود را نشان دهند.

- یکی دیگر از نقش‌هایی که دانش‌آموزان (دختر و پسر) باید از طریق کتاب‌های درسی بتدریج بیاموزند، نقش همسری است. همه دختران و پسران ما باید در مسیر جامعه‌پذیری با نقش همسری که باید در آینده احراز کنند، آشنا شوند و وظایف مربوط به نقش‌های آن را فرا گیرند. در تدوین کتاب‌های درسی، این گونه به نظر می‌رسد که وقتی زن فقط مادر، مادر بزرگ، دختر و خاله و زن همسایه است، مرد به عنوان عنصری فعال در خانواده و در اجتماع معرفی می‌شود که می‌تواند تصمیم بگیرد، پیشنهاد دهد، قهرمان شود، مبارزه کند، دانش‌اندوزی کند، ثروتمند شود، دانشمند شود، شاعر و نویسنده باشد و به موفقیت‌های علمی و ... برسد. در مقابل، به نظر می‌رسد که یک زن با پذیرش نقش همسری و مادری، صرفاً باید به کارهای خانه‌داری بپردازد و دیگر هرگز نمی‌تواند در هیچ نقش اجتماعی دیگر مؤثر و مفید باشد. در صورتی که در جامعه امروز، زنان و مادران موفق را می‌بینیم که در بعضی عرصه‌ها از مردان (پدران) نیز فراتر رفته‌اند.

- از طرفی کتاب‌های درسی، بازتاب ایدئولوژی مسلط و تجسم جنسی حاکم بر محیط و جامعه واقعی است. تحلیل تصویر و موضوعات کتاب‌های درسی فارسی در مواردی نشان می‌دهد که کودکان هیچ امکانی برای گریز از کلیشه‌های تبعیض جنسی ندارند. در تصویرهای زنانه و مردانه

کتاب های درسی، پسران از امکانات نامحدود آینده شغلی و نیز انبوه گزینش ها برخوردارند و دختران فقط می توانند خود را برای مادرشدن آماده کنند و بدین ترتیب هر دو گروه با برچسب های متفاوت در رده بندی تبعیض آمیز محدود می شوند و مجبورند که خود را با تصویری که به آنان ارائه و تلقین شده و با انتظاراتی که از آنان می رود، منطبق کنند. پسران و دختران بدین ترتیب اگر هم برای تمام پیش داوری ها و تمام تبعیض ها آماده نشوند، دست کم پذیرای رواج نابرابری جنسی می شوند و در جهت تداوم هرچه بیشتر این نابرابری آماده و تربیت خواهند شد. بررسی کتاب های درس فارسی نشان می دهد که تبعیض جنسی نه فقط در مقدار کم تصویرهای زنانه از مردانه بلکه در گرایش بسیار آشکار پسران به علم و دانش، حضور در مسائل سیاسی، اقتصادی، و نظامی، رسانه ای و ارزش های والای دینی (مثل شهادت و فداکاری و...) نشان داده شده است.

- برای درک مفهوم فداکاری از داستان های مردان فداکار مانند ریزعلی و حسین فهمیده، و .. استفاده شده است که در همه آنها یک مرد با به خطر انداختن جان خود موجب نجات انسان ها می شود. مردها به عنوان سمبل فداکاری و قهرمان (دختران و پسران) معرفی می شوند، البته تمام این داستان ها واقعی و زیباست؛ ولی زنان فداکار زیادی در جامعه ایران، در دنیا و در دنیای اسلام وجود دارند. در متون کهن ایران نیز می توان چنین زنانی فداکار و قهرمان را یافت، مانند: (سیده خاتون)؛ زن مبارزه کرمانشاهی در دوران دفاع مقدس، که با دست خالی در مقابل عراقیانی را که به خانه او حمله کرده بودند از خود و خانواده اش دفاع کرد از مردان رزمنده نیز در کتاب های درس فارسی زیاد یاد شده است که سمبل شجاعت و بی باکی بوده اند. هیچ تردیدی نیست که کشور ما همیشه مدیون شهدا و رزمندگان است که با خون خود از خاک میهن دفاع کردند ولی زنان رزمنده، به خصوص اهالی شجاع مناطق جنگی بسیار بوده اند که با دست خالی با دشمنان جنگیده اند و یا در نقش پرستار و پزشک، دوشادوش مردان در جبهه ها حضور داشتند. شهید شده اند، به اسیری رفته اند و... زنانی که درست است تعداد آنان در مقابل رزمندگان مرد کم بوده است؛ ولی می توانند الگوهای خوبی برای دختران جوان پرشور و حرارت باشند.

- در معرفی افراد برجسته و تأثیرگذار در تاریخ علم و سیاست و فرهنگ ایران نیز زنان که نیمی از جمعیت را تشکیل می داده اند، محو شده و بیشتر به کار مردان در این عرصه ها توجه شده و زنان

نقش‌های حاشیه‌ای کم‌رنگ و بی‌فایده بر عهده دارند. قابل توجه است که حتی در همین نقش نیز زنان از لحاظ کمی بسیار اند هستند. مردان در همه جا حاضر می‌باشند، نقش‌های مهمی بر عهده دارند، تاریخ را می‌سازند و دنیا را به پیش می‌برند؛ در حالی که زنان، مطیع و فرمانبردار و در بحران‌ها گریان هستند و بیشتر اسیر کارهای خانه‌داری و وظایف مادرانه می‌باشند. این موضوع در کتاب‌های راهنمایی و دبیرستان بیشتر مشاهده می‌شود.

- زنان نیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می‌دهند که از نظر میزان هوش، دقت، توانمندی و کارایی به خوبی می‌تواند با مردان رقابت کنند. شایسته است که در کتاب‌های درسی، توجه بیشتری در شناساندن این توانایی‌ها به یادگیرندگان دختر که نیمی از مخاطبان کتاب هستند، القا شود که در آینده به عنوان افرادی منفعل نباشند که تابع هیچ‌گونه آینده‌نگری در زندگی خانوادگی و اجتماعی نیستند. باید در متن درس‌ها رسالت بزرگ انسان بودن چه در نقش زن (مادر) و چه در نقش مرد (پدر) نشان داده شود.

- آموزش و پرورش می‌تواند محرک دگرگونی جامعه باشد و کتاب‌های درسی مدارس تا حد زیادی می‌تواند در آماده ساختن آنان برای نقش آینده‌شان در مقام مرد یا زن سهم داشته باشد. این کتاب‌ها می‌تواند دنیای آدم بزرگ‌ها را بسازد؛ بنابراین ضرورت دارد که دنیای توصیف شده در کتاب‌ها با ارزشهایی که نه فقط ارزشهای جامعه را مشخص می‌کند بلکه برداشت جامعه را از روابط میان دختران و پسران و میان مردان و زنان هدایت می‌کند، همخوان باشد.

- سعی شود در بیان واژه‌ها صفات مثبت و منفی از هر دو جنس زن و مرد، در کتاب‌های درسی موجود باشد. ویژگی‌های شخصیتی هر یک از دو جنس، به عنوان یک موجود انسانی مطرح شود. به دلیل افزایش روزافزون حضور زنان در مشاغل اجتماعی بیرون از خانه، بهتر است این تحول را در کتاب‌های درسی نشان داد.

پی‌نوشت‌ها

- [1] structure
- [2] Function
- [3]sex
- [7]Personality
- [8] Social beliefs
- [9]Social Values
- [10]Social norms
- [11] John Dewey

- [4] Gender .
- [5] Culture
- [6] Socialization
- [12]Institution
- [13]Educational institution
- [14] Educational organization
- [15] structure

منابع

کتاب ها

- قرآن کریم (۱۳۷۸). ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات دوستان،
- الماسی، علی محمد (۱۳۷۰). تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران. تهران: نشر دانش آموز (وابسته به موسسه انتشارات امیرکبیر تهران،
- جوادی آملی، عبد... (۱۳۶۹). زن در آینه جلال و جمال. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء،
- دورانت، ویل (۱۳۵۹). تاریخ تمدن. ترجمه احمد آرام و دیگران، انتشارات: اقبال، فرانکلین،
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۰). آنا تومی جامعه یا سنه الله، مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی. تهران: شرکت سهامی انتشار،
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی،
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: سازمان انتشارات کیهان،
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۶). درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، جلد دوم. تهران: سازمان انتشارات کیهان،
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷). روش های تحقیق و علوم اجتماعی جلد دوم نشرها و فنون. تهران: نشر پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
- سیف الهی، سیف ... (۱۳۷۳). مبانی جامعه شناسی. مشهد: نشر مرندیز، ۱۳۷۳.
- سیف الهی، سیف ... (۱۳۷۴). اقتصاد سیاسی ایران (مجموعه مقالات و نظرها). تهران: انتشارات المیزان،
- سیف الهی، سیف ... (۱۳۸۱). جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران (مجموعه مقالات و نظرها). تهران: مؤسسه انتشارات جامعه پژوهان سینا،
- صفری، فاطمه (۱۳۷۰). الگوی اجتماعی پایگاه و نقش زن مسلمان در جامعه اسلامی بر اساس جامعه اسلامی بر اساس دیدگاه امام خمینی. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی،
- علاقه بندی، علی (۱۳۷۵). جامعه شناسی آموزش و پرورش. تهران: روان،
- فرجاد، محمد علی (۱۳۷۶). آموزش و پرورش تطبیقی. تهران: رشد،
- قرائی مقدم، امان ... (۱۳۷۳). جامعه شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات کتابخانه فروردین،
- کونن، بروس. مبانی جامعه شناسی. ترجمه: دکتر غلامعباس توسلی، رضا فاضل، تهران: رحمت، زمستان ۷۵.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۲). روان شناسی اجتماعی، نظریه ها، مفاهیم و کاربردها. تهران: نشر ارسباران،
- کیوی، ریمون، لوک وان کامپنهور (۱۳۸۱). روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه دکتر عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر توتیا،
- میشل، آندره (۱۳۷۶). پیکار با تبعیض جنسی. ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: انتشارات پگاه،
- متولی حقیقی (۱۳۸۴). یوسف. تاریخچه آموزش و پرورش نوین خراسان. مشهد: نشر مرندیز،
- یزدانی، زینب (۱۳۷۸). زن در شعر فارسی (دیروز - امروز). تهران: انتشارات فردوس،

پایان نامه ها

بیرجندی شهری، شهین، تحلیل محتوای کتاب های درسی پایه سوم از نظر جنسیت، بهار ۷۸.
رضا زاده مقدم، ریحانه (۱۳۷۵). بررسی نحوه معرفی شخصیت زن در کتب درسی دوره متوسطه نظام قدیم، زمستان،
رفعت معتمدی، مریم (۱۳۷۲). تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی و راهنمایی درباره مشاغل،
روحبخش، (۱۳۷۳) بررسی محتوای کتاب های درسی دوره ابتدایی در رابطه با جامعه مدنی،
عطاریان، نسرين (۱۳۶۹). بررسی استروئتیب در کتاب های درسی و ادبیات کودکان، پایان نامه کارشناسی رشته علوم
اجتماعی،

کلاته میمری، ولی ا. (۱۳۷۵). تحلیل محتوای اشعار کتب فارسی دوره راهنمایی تحصیلی و دبیرستان، رضا نعیمی نژاد،
نظیف، احمد، تحلیل محتوای کتب علوم اجتماعی دوره دبیرستان و پیش دانشگاهی (مقوله متوسطه)،

مقاله ها

اعزازی، شهلا (۱۳۷۰). "تضاد میان آموزش و پرورش جامعه (بررسی کتاب فارسی اول): فصلنامه علوم اجتماعی،
دوره اول پایین و زمستان،

انصاری، عبدا... (۱۳۸۱). اصطلاحات در آموزش و پرورش (مقاله) پژوهشنامه آموزش ویژه نامه شماره ۱۲، خرداد،

مجلات

انسان شناسی رشد انتشارات مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۳

پیام یونسکو، شماره ۱۶۰، سال پانزدهم، شهریور ۱۳۶۲

پیام یونسکو، شماره ۱۹۸ و ۱۶۳، سال پانزدهم، ۱۳۶۲-۶۵

پیام یونسکو، شماره ۲۰۰ و ۲۳۰، سال ششم مرداد ۱۳۶۸ و ۱۳۶۶

ماهنامه زن، سال چهارم، خرداد و تیر ۱۳۷۴

پایگاه اینترنتی Google